

امر به معروف و نهی از منکر ریشه در عشق و محبت اعضای جامعه اسلامی به یکدیگر

* حجت الاسلام امید نساج دره^۳

معنای امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت آن

امر به معروف و نهی از منکر یعنی مردم را به کار نیک واداشتن و از کار زشت بازداشتن؛ یکی از واجبات و ضروریات مهم دین مبین اسلام و ضامن اجرای احکام اسلامی در جامعه مسلمانان است و افرادی که این فریضه بزرگ را ترک کنند -ولو اهل نماز و عبادت و تهجد باشند- گناهکار بوده و کیفر سختی در انتظار ایشان خواهد بود. امر به معروف و نهی از منکر ضامن اجرای دین و قاوم دین در جامعه است، به گونه‌ای که با ترک آن، بقیه احکام دین نیز به مرور رو به زوال می‌رود.

در واقع تأثیر امر به معروف و نهی از منکر صرفاً به جلوگیری از انجام یک گناه یا واداشتن به انجام معروف، خلاصه نمی‌شود، بلکه حیات طیبه مسلمین را تضمین می‌کند و در صورت ترک آن نیز تنها یک نفر، آسیب نمی‌بیند، بلکه یک جامعه اسلامی و نسل آینده متضرر خواهد شد.

ملاک برتری امت اسلام

قرآن در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» در واقع امت اسلامی را امت برتر می‌داند، اما این برتری نه از روی ملاک نژادی و قومی و قبیله‌ای، بلکه به خاطر ایمان و یکی از لوازم ایمان یعنی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. یعنی اولاً اسلام ملاک برتری را یک امر ارادی و اختیاری می‌داند و آن ایمان آوردن و انجام وظایف بر اساس ایمان است و ثانیاً ملاک برتری، امر به معروف و نهی از منکر است که از سر ایمان امت مسلمان، نشأت گرفته است.

به عبارت بهتر این مدال افتخار تا زمانی برای امت اسلام باقی خواهد ماند که این فریضه مهم را فراموش نکنند و با فراموشی این فریضه بزرگ و الهی، دیگری دلیلی برای برتری امت اسلام باقی نخواهد ماند؛ همان‌گونه که به مرور دیگر امت اسلامی به معنای واقعی باقی نخواهد ماند.

فراموشی این فریضه بزرگ یعنی تسلط فاسدان بر جامعه اسلامی

همان‌گونه که اشاره شد، طبق روایات اقامه سایر فرائض دینی، وابسته به اقامه فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر است و این امر نیز کاملاً بر اساس یک استدلال واضح و روشن بیان شده است.

در صورتی که فساد در جامعه علنی شده و بی‌توجهی به ارزش‌های دینی نادیده گرفته شود، با توجه به جاذبه‌های کوتاه‌مدت و دنیوی فساد، امکان انحراف سایر مسلمین نیز وجود دارد؛ بالاخره درجات ایمان مردم در یک جامعه متفاوت است و ممکن است با دیدن جاذبه‌های فساد، جذب شوند. مخصوصاً این که وقتی فسادی به راحتی در جامعه‌ای انجام شد یا ارزش دینی به راحتی در جامعه لگدمال شد و هزینه‌ای برای فاعل نداشته باشد، قبح آن فساد در نظر سایر مردم ریخته می‌شود و جذب به فساد به صورت ساده‌تری صورت

۳. معاونت آموزش مدرسه علمیه مدینه العلم کاظمیه یزد. ۰۹۱۳۳۵۴۸۰۶۱

می‌گیرد.

به عبارت بهتر با رواج فساد در جامعه اسلامی و ریختن قبح آن در جامعه، رسانه‌ها - حتی رسانه ملی - نیز اقدام به ارتکاب نسبت به همین اعمال خواهد داشت. مثلاً وقتی در جامعه، قبح رابطه دختر و پسر ریخته شد، در سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی نیز شاهد همین روابط هستیم که نه تنها آن را قبیح و زشت قلمداد نمی‌کند، بلکه گاهی شخصیت مثبت و اصلی داستان در ارتباط با نامحرم نشان داده می‌شود و این امر سبب فراگیرتر شدن این فساد و قبح‌زدایی بیشتر از آن می‌شود. البته این مورد، از باب مثال بود و می‌توان موارد دیگری را نیز نام برد.

همچنین به مرور و با قبح‌زدایی از سایر گناهان، برخی کاندیداهای فرصت طلب، با استفاده از فرهنگ باطل ایجاد شده، با استفاده از عناوینی زیبا مانند لزوم آزادی جوانان، لزوم دسترسی به اطلاعات آزاد در دنیا و ... به دنبال جذب رأی دهندگان خواهند بود و چه بسا با رأی‌آوری و نشستن بر مسند کار، با اهمال نسبت به ارزش‌های دینی، زمینه گسترش فساد بیشتر را فراهم کنند؛ هر چند ظاهر یک مسئول در نظام اسلامی هستند! نتیجه اینکه سستی و اهمال نسبت به مسأله مهم امر به معروف و نهی از منکر، به مرور سبب تسلط فاسدان بر صالحان خواهد شد؛ یعنی حتی اگر خود اشخاص فاسد نتوانند بر جامعه مسلط شوند، با جهت‌دهی به افکار عمومی، می‌توانند زمینه قبح‌زدایی فساد و رواج فساد در جامعه را فراهم کنند.

موج فرهنگ باطل غربی "دلم می‌خواهد" به کشور ما هم رسیده است

یکی از مسائلی که کمک کرده که زمینه انجام وظیفه نسبت به امر به معروف و نهی از منکر تا حدی دشوار شود، رواج فرهنگ زشت "دلم می‌خواهد" است. مثلاً اگر به کسی تذکر داده شود که چرا چنین گناهی مرتکب می‌شود، بالاترین پاسخش این است که "دلم می‌خواهد"؛ گویا با این پاسخ طرف مقابل خلع سلاح می‌شود. این فرهنگ ناشی از فرهنگ لیبرالیسم غربی است که شعار آزادی حداکثری را برای افراد - مگر در جایی که موجب سلب آزادی دیگران شود - سر داده است. گذشته از این که این شعار دروغی بیش نیست و دارای تناقض‌های فراوان بوده و هرگز آزادی روانی و دینی افراد را در نظر نگرفته است و آزادی را صرفاً در زمینه‌های حیوانی انسان - و نه ابعاد انسانی - تعریف کرده است، این شعار کاملاً مغایر با دستورات الهی است.

در جامعه اسلامی که دقیقاً خدای متعال عمل به خواست دل (هوای نفس) را مهم‌ترین یا از اهم عوامل انحراف انسان می‌داند، شعار "دلم می‌خواهد"، شعاری ضد دینی باید تلقی شود، نه این که به عنوان یک حق برای دیگران پذیرفته شود.

لذا باید توجه داشت در جامعه اسلامی ملاک عمل، نه خواست دل بلکه خواست خداوند است و باید در این زمینه فرهنگ‌سازی شود تا این فرهنگ دلم می‌خواهد، فرهنگی مذموم و خودخواهانه در جامع تلقی شود.

جامعه مسئول؛ فرهنگ غلط "به من چه" یکی از عوامل کم‌رنگ شدن این فریضه

نکته دیگری که در کم‌رنگ شدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه کمک کرده است، فرهنگ "به من چه" هست که اتفاقاً این فرهنگ نیز ریشه در غرب دارد. با توجه به فرهنگ لیبرالی در غرب، به طور کلی هر کسی مسئول کار خود است نه دیگران و کسی حق دخالت در کار دیگری را ندارد، مگر به واسطه شغل

و وظیفه کاری. همین امر سبب احساس بی‌مسئولیتی نسبت به دیگران است. اما از نظر اسلام، همه مردم مسئول هستند؛ یعنی دین یک مسئولیت برای آنها قائل شده است که هر جا و در هر زمینه‌ای بتواند زمینه اصلاح و کمک به دیگران را فراهم و نقش خود را ایفا کند. به عبارت بهتر، نمی‌توان در مقابل ترویج فساد، بی‌بندوباری، اختلاس، دزدی و ... سکوت کرد و کار آن را تنها به حکومت واگذارد. و با یک "به من چه" شانه از مسئولیت خالی کند. بلکه هر شخصی مسئول است تا به سهم خود در آباد نگاه داشتن جامعه اسلامی - هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی - انجام وظیفه کند.

لذا از جمله موارد فرهنگ‌سازی، اصلاح فکر و تغییر نگاه به این مسأله هست که همگان خود را در برابر دیگران مسئول بدانند. یعنی این تفکر باید در مؤمنین وجود داشته باشد که هم فقر و بیچارگی دیگران به ما ربط دارد و لذا خداوند با دستوراتی مانند صدقه، زکات، خمس و ... خواهان ایفای مسئولیت مسلمانان شده است و هم فقر فرهنگی و دینی به ما ربط دارد و خداوند با دستور امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد جاهل و ... وظایف مسلمانان و مسئولیت‌شان را تعریف کرده است.

مبنای امر به معروف و نهی از منکر، عشق و محبت به اعضای جامعه اسلامی است

باید به این نکته توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر، می‌گیری نیست، بلکه از عشق و محبت مؤمنین به یکدیگر سرچشمه می‌گیرد.

این جمله را همه ما بارها شنیده‌ایم: "هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بیسند و هر چه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم می‌پسند" این جمله در واقع بخشی از کلام پیامبر رحمت (ص) است که بارها در سخنان اهل بیت (ع) هم تکرار شده است. در واقع مبنای قاعده امر به معروف و نهی از منکر، همین سخن زیباست. یعنی همان‌گونه که اگر فقیری و نیازمندی دیدیم، به او کمک می‌کنیم؛ همان‌گونه که اگر بینیم فردی به سمت دره‌ای بزرگ با سرعت در حرکت است، او را مطلع می‌کنیم، همان‌گونه که کسی اگر غذای مسمومی را بخواهد مصرف کند، به وی خبر می‌دهیم تا ضرر را از هم‌نوع خود دور کنیم، همین‌طور انسان مؤمن وقتی می‌بیند کسی با انجام منکری یا ترک معروفی، قدم به سمت دوزخ بر می‌دارد که ضررش به مراتب بیشتر از ضرر موارد مذکور است، از باب محبت و علاقه به فرد، به او یادآوری می‌کند که مبادا دچار تحمل ضرر سهمگین شود و همچنین به مرور زمان جامعه دچار چنین ضرری نشود.

نتیجه آن‌که فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر از باب مسئولیت اجتماعی از یک‌سو و از باب پیوند و علاقه مؤمنین به یکدیگر از سوی دیگر، بر مؤمنین واجب شده است. از همین روست که امر به معروف و نهی از منکر سبب شده تا جامعه مؤمنین، امت برتر باشند؛ چرا که نشان دهنده مهربانی و محبت و علاقه مؤمنان به یکدیگر است و مشخص است که چنین امتی با چنین محور محبتی، سزاوار بهترین امت شدن هستند.

وجود اختلاس و دزدی، بهانه‌ای برای ترویج منکر!

یکی از جواب‌هایی که گاهی مرتکبین منکر به آمر به معروف و نهی از منکر می‌دهند این است که: شما

نمی‌خواهد به ما گیر بدهید! با یک روسری یا عدم ارتباط دختر و پسر یا ... قرار نیست مشکلات جامعه حل شود؛ شما بروید جلوی اختلاس‌ها و دزدی‌ها رو بگیرید!!
باید توجه داشت که این توجیه کودکانه که دستاویز عده‌ای قرار گرفته فاقد حتی سست‌ترین مبانی استدلال است.

اولاً: یعنی چون در جای دیگری فساد وجود دارد، من هم می‌خواهم فساد کنم؟ چون در جای دیگری قانون را رعایت نکرده‌اند، من هم می‌خواهم قانون دیگری را رعایت نکنم؟ سخنی بدون پشتوانه و غیرمنطقی؛ مثل این است که کسی بگوید چون عده‌ای سرطان دارند، من به خاطر آنفلوآنزا نباید دکتر بروم! خب هم اختلاس بیماری هست، هم بی‌بندوباری؛ وجود یکی یا حتی عدم رسیدگی به یکی دلیل نمی‌شود به دیگری هم رسیدگی نشود.

ثانیاً: مظاهر فساد که مستلزم نهی از منکر است، در دید عموم مسلمانان است و به تعبیر قانونی، جرم مشهود است که به راحتی قابل اثبات است، وگرنه اگر در مکان عمومی و در معرض دید عمومی نباشد، نه نهی از منکر لازم است و نه از نظر قانونی جرم است. اما اموری مانند اختلاس، غالباً به صورت پنهانی صورت می‌پذیرد و بعد از وقوع منکر، اطلاع از آن حاصل می‌شود. لذا وضعی بسیار متفاوت از مظاهر فساد مانند بدحجابی، بی‌بندوباری، اختلاط نامحرم و ... دارد. در ضمن در همان اختلاس نیز اگر کسی مطلع شد، وظیفه نهی از منکر را بر عهده دارد.

ثالثاً: در سال‌های اخیر در کشور برخورد با مفسدین اقتصادی و مختلسین نیز شدت گرفته و حتی از نزدیک‌ترین افراد مرتبط به مسئولین نیز دستگیر و محاکمه شدند و لذا دیگر بهانه‌ای برای این افراد باقی نمی‌گذارد.

اقدام همگانی به این فریضه ضامن تأثیرگذاری

یکی از شروط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیرگذاری است و به همین دلیل برخی به همین بهانه، تکلیف را از خود ساقط شده می‌بینند.

اما حقیقت این است که اگر همه مؤمنین به وظیفه خود عمل کنند، خواهند دید که گاهی تذکر لسانی یک فرد، تأثیری نداشته، اما با تداوم آن و تذکرات لسانی متعدد دیگر، کم‌کم اثر خود را خواهد گذاشت. یعنی مثلاً فرد بی‌حجاب شاید به سخن نفر اول و دوم و سوم اعتنایی نکند، اما وقتی یک جامعه را در مقابل خود دید که به وی تذکر می‌دهند، مجبور به رعایت می‌شود. لذا نباید از ترس عدم تأثیرگذاری وظیفه را از خود ساقط دید. ناگفته نماند که وظیفه شهروندان در امر به معروف و نهی از منکر تنها تذکر لسانی و گذشتن از محل وقوع منکر است؛ یعنی وظیفه خود را انجام داده و در محل نایستد تا زمینه را برای جوسازی طرف مقابل ایجاد شود.